

پای صحبت اولین بانوی دارای
رتبه بین‌المللی حفظ قرآن در استان

تحقق ناباورانه یک رؤیا

زهرا شریعتی ۱۰ سال پیش وقتی مسابقات بین‌المللی قرآن ایران را از تلویزیون پیگیری می‌کرد، آرزو داشت فقط بتواند تلاوت‌ها را از نزدیک بشنود؛ غافل از اینکه در آینده نه چندان دور، نه تنها شنونده حضوری بلکه نماینده کشورش در مسابقات خواهد بود؛ بعد هم با افتخار آفرینی در مسابقات سایر کشورها، حیثیت مذهب و توانمندی بانوان ایرانی را بار دیگر به اثبات می‌رساند. رویا فضائلی، نفر اول چهلمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران و اولین بانوی دارای رتبه بین‌المللی حفظ قرآن در استان، در ادامه از مسیر تحقق رؤیایش برایمان می‌گوید.

در محضر قرآن؛ از خردسالی تا دانشگاه

رویا فضائلی، حافظ ۲۶ ساله مشهدی، فرزند دوم خانواده‌ای فرهنگی است که با توجه به فعالیت‌های قرآنی والدین، از همان دوران پیش از مدرسه در محضر قرآن قرار گرفت و مسیر زندگی‌اش با قرآن گره خورد. «پدر و مادرم در کنار تدریس دروس مدرسه، به دانش‌آموزان نکات قرآنی را هم ارائه می‌دادند یا برای حفظ و قرائت مشوقشان بودند. برادرم نیز حافظ چند جزء بود، بنابراین هنوز شش سالم نشده بود که به لطف توجه مادر با حفظ سوره‌های کوچک، در محضر قرآن کریم قرار گرفتم. وقتی مادر هم سرکار بود، خودم حفظ را انجام می‌دادم و تمرین می‌کردم. حتی برای دانشگاه هم، با وجود علاقه به رشته‌های پی‌اپزشکی، علوم قرآن و حدیث را انتخاب کردم و آن‌را تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی ادامه دادم.»



رفاقتی که سبب خیر شد

از شش سالگی در مهدالرضا^(ع) بیشتر با قرآن آشنا شد و بعد هم در مدرسه حفظ را ادامه داد اما به صورت پراکنده و غیرمتمرکز. تا اینکه به واسطه یکی از دوستانش حفظ حرفه‌ای را شروع کرد؛ «سوم راهنمایی که بودم، یکی از هم‌کلاسی‌ها که از همدان آمده بود، حافظ چهارده جزء بود و مرا تشویق کرد که مثل او حرفه‌ای حفظ کنم؛ من هم با کانون قرآن شاهد شروع کردم و از شدت شوق و علاقه‌ای که داشتم، چنان با سرعت پیش رفتم که حتی از این دوستم هم جلوزدم. خانم مرتضوی، مربی مان، بعد از اینکه یک جزء را حفظ کردم، با مادرم تماس گرفت و گفت با توجه به استعدادی که دارم، حیفاست به همین یک جزء بسنده کنم. این شد که در کلاس‌های حفظ همان مربی ام در آستان قدس ثبت‌نام کردم و در کنار بزرگسالان حفظ را ادامه دادم. فقط مشکل این بود که من طی هفته مدرسه بودم در حالی که کلاس دو روز در هفته برگزار می‌شد، ولی همان پنجشنبه‌ها که در کلاس شرکت می‌کردم، مربی به اندازه دو روز با من کار می‌کرد.»

شاگرد اول در حفظ و مدرسه

شاید باورش سخت باشد، ولی رویا با اینکه دانش‌آموز بود، هر دو روز یک جزء را حفظ می‌کرد. در تابستان که تعطیل بود، روزی پنج ساعت و در ایام دیگر روزی سه ساعت به حفظ قرآن می‌پرداخت و در عین حال معدلش از ۱۹.۵۰ کمتر نمی‌شد. «مدرسه وقتی متوجه شد که در مسیر حفظ هستم، همراهی می‌کرد. مثلاً همیشه قرائت قرآن سر صف با من بود که خودش یک فرصت تمرین محسوب می‌شد یا دبیران با اینکه بیشتر مواقع برای مسابقات در اردو بودند، اعتراض نمی‌کردند. از طرفی، نه فقط در حفظ قرآن بلکه در درس هم استعداد خوبی داشتم و با وجود رقابت سنگین در دبیرستان نمونه دولتی، همیشه شاگرد اول بودم و کمترین معدل ۱۹.۵۰ شد. از ساعت ۱۵ که به خانه می‌رسیدم تا آخر شب یا حتی نیمه شب برای کنکور و حفظ قرآن بیدار می‌ماندم. البته گاهی کم می‌آوردم و احساس خستگی داشتم، ولی سعی می‌کردم با شرکت در مسابقات و قرار گرفتن در رقابت، انگیزه‌ام را تقویت کنم.»

از تدریس و داوری تا افتخار آفرینی در مسابقات

رؤیا که مدارک تخصصی درجه دو، سه، چهار و پنج حفظ از سازمان دارالقرآن الکریم و مدرک تربیت مربی و داویرا دریافت کرده است، حالا خودش در نهاد‌های مختلف مانند اوقاف و آستان قدس، مربی قرآن است و مسابقات و آزمون‌های قرآنی ملی یا استانی را داوری می‌کند. از سال ۹۵ تا کنون، افتخاراتی چون رتبه اول رشته حفظ کل مسابقات بین‌المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۲، رتبه هفتم رشته حفظ کل مسابقات بین‌المللی کشور اردن در سال ۱۴۰۱، رتبه سوم رشته حفظ کل مسابقات بین‌المللی دانشجویان دختر ایران و عراق در سال ۱۴۰۱، رتبه اول رشته حفظ کل مسابقات کشوری اوقاف و امور خیریه در سال ۱۴۰۱، رتبه اول رشته حفظ کل مسابقات سراسری و ملی دانشجویان کشور در سال ۱۴۰۱ و رتبه‌های اول تا سوم مسابقات کشوری نهاد‌های مختلف همچون جامعه القرآن، دارالقرآن امام علی^(ع)، بنیاد شهید و امور ایثارگران، جامعه کار و تلاش، آموزش و پرورش و فرهنگیان و... را رقم زده است.

ریشه قرآنی خانواده

این حافظ کل قرآن کریم که برای شروع حفظ حرفه‌ای، حتی تجوید و صوت و لحن را هم با گوش دادن به فایل‌های صوتی فراگرفته است، گرایش خانوادگی‌اش به قرآن را مرهون پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری می‌داند و می‌گوید: «این‌طور که مادر تعریف می‌کند، پدر بزرگ قاری و مادر بزرگ بسیار علاقه مند به قرآن بودند و مادرم به آن‌ها قرآن آموزش می‌داد که سبب شد خودش هم با قرآن انس بگیرد و در دوران مدرسه از فعالان قرآنی باشد؛ به این ترتیب هم من و برادرم را قرآنی پرورش داد و هم دانش‌آموزانش را در مدرسه. یادم هست مادر هم زمان با من حفظ می‌کرد تا تشویق شوم و در واقع معلم قرآن من در خانه بود و کاملاً حرفه‌ای برنامه ریزی می‌کرد و مرا برای مسابقات آماده می‌کرد، به گونه‌ای که همه فکر می‌کردند از اساتید درجه یک برنامه می‌گیرم! برای رفت و آمد به کلاس‌ها نیز مادر همراهی ام می‌کرد و وقتی ناامید می‌شدم، روحیه می‌داد.»